

## تحلیل گزاره‌های پرسشی خطبه فدکیه بر اساس نظریه «سرل»

روح‌الله صیادی‌نژاد / دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کاشان / [saiyadi57@gmail.com](mailto:saiyadi57@gmail.com)  
سیدکاظم حسینی باصری / دانشجوی دکتری دانشگاه کاشان / [khosseini1379@yahoo.com](mailto:khosseini1379@yahoo.com)  
تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۴/۰۱ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۰۷/۲۳

### چکیده

کنش‌گفتار، از موضوعات تحلیل‌گفتمان است که با کاربرد آن، می‌توان مفاهیم نهفته در ژرف‌ساخت‌ها و عبارت‌ها را آشکار ساخت. این نظریه را ابتدا «آستین» مطرح کرد و سپس با نوآوری‌های شاگردش «جان سرل» گسترش یافت. پژوهش حاضر، بر اساس مطالعات کیفی و با روش توصیفی - تحلیلی، بر آن است تا گزاره‌های پرسشی در خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام را بررسی نماید. دستاورد پژوهش، بیان‌گر آن است که از مجموع ۳۱ گزاره پرسشی، تعداد ۲۲ کنش عاطفی و ۹ کنش ترغیبی است، در حالی که کنش‌های اعلامی، تعهدی و اظهاری در این گزاره‌ها مصداقی ندارند. کاربرد متعدد کنش‌های عاطفی، نشان از درک عمیق‌گوینده نسبت به بافت موقعیتی خطبه و شخصیت مخاطبان دارد. آن حضرت با به‌کارگیری استفهام غیرمستقیم، از زیباترین شکل بلاغی برای انتقال مفهوم مورد نظر بهره‌جسته‌اند و با گنجاندن استفهام‌های مجازی در لابه‌لای سخنان خود، مخاطب را به اندیشه واداشته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** خطبه فدکیه، گزاره‌های پرسشی، کنش‌های گفتاری، تحلیل گفتمان، سرل.

## مقدمه

نظریه کنش‌گفتار (speech act theory) را «جان آستین»، فیلسوف شاغل در آکسفورد، در مخالفت با دیدگاه پوزیتیویسم منطقی (logical positivism) مطرح کرده است. بر این اساس، هر چند عینیت‌گرایان یا همان پوزیتیویست‌ها، ناتوانی در ارجاع عبارت‌ها به گزاره‌های صادق (true) و کاذب (false) را نشانه فقدان معنایی جملات تلقی نموده‌اند (cf. Levinson, 1983, 227)؛ در دیدگاه آستین، زبان رسالت‌های متعددی دارد که تنها بخشی از آن شامل گزاره‌های مبتنی بر صدق و کذب است و در حقیقت زبان وسیله «انجام دادن کار» است. (چپمن، ۱۳۸۴، ص ۱۹۴؛ الباهی، ۲۰۰۴، ص ۱۲۳) مجموعه سخنرانی‌های آستین در دانشگاه هاروارد، بیست سال پس از مرگش به صورت کتابی با عنوان «چگونگی کار با کلمات» (How to do Things with Word) منتشر شد. این نظریه، برگرفته از این کتاب است که با استفاده از آن می‌توان متون گوناگون از جمله متون دینی را تحلیل نمود. او نخست جملات را به دو دسته اخبار (constative / performative) و اجرایی (statement) تقسیم نمود (Austin, 1962, 13) و بیان داشت، جملاتی نظیر: «من اکنون شما را زن و شوهر اعلام می‌کنم» و «صبح بخیر»، علاوه بر آن‌که هیچ خبر و اطلاعی به دنبال ندارد، هم‌چنین آن‌ها را نمی‌توان با شرایط صدق و کذب تأیید یا تکذیب نمود و در حقیقت با بیان این عبارت‌ها، عملی مثل احوال‌پرسی، زوجیت و... در خارج تجسم می‌یابد. وی چنین جملاتی را پاره‌گفتارهای کنشی (meaningful utterance) نام‌گذاری نمود. (Sadock, 2004, 54) وی مدتی بعد ضمن کنار گذاشتن تمایز یادشده، این نوع تقسیم‌بندی را نادرست دانست و اعلام داشت که تمامی گزاره‌های زبانی، زیرمجموعه کنش‌های گفتاری محسوب می‌شوند. (Levinson, 1983, 231) او در نهایت، کنش‌ها را به سه دسته کنش بیانی (locutionary act)، کنش منظوری (illocutionary act) و کنش تأثیری (perlocutionary act) تقسیم نمود. «بنابر این هر اظهاری (اعم از این‌که توصیفی / اخباری یا کنشی باشد)، ممکن است متضمن این سه نوع کنش باشد. ما کلماتی را بر

زبان جاری می‌کنیم (کنش بیانی)، از بیان آن قصد خاصی را دنبال می‌کنیم (کنش منظوری)، و کلام ما بر مخاطب تأثیر می‌گذارد (کنش تأثیری)»، (زرقانی و اخلاقی، ۱۳۹۱، ص ۶۱-۸۰)

آستین هم‌چنین در تقسیم‌بندی دیگری، کنش سخن را به مستقیم (direct speech act) و غیرمستقیم (indirect speech act) دسته‌بندی نمود. (مگونسن، ۱۳۸۸، ص ۲۳۶) به طور کلی، در صورتی که میان ساختار و کارکرد جمله رابطه مستقیم و قابل تشخیص وجود داشته باشد، به آن کنش کلامی مستقیم گفته می‌شود؛ نظیر عبارت «بیرون هوا سرد است»، در حالی که هدف گوینده از ایراد این سخن، آگاه نمودن مخاطب از وضعیت هوا باشد؛ اما در صورتی که هدف از آن سخن، یک تقاضا و یا دستور مثل بستن در باشد، کنش کلامی غیرمستقیم نامیده می‌شود. (Yule, 2000, 54) می‌توان چنین گفت که کنش‌های کلامی غیرمستقیم، همان معانی ثانوی و یا مجازی جملات هستند؛ برای نمونه، هرگاه یک گزاره پرسشی که در حقیقت رسالت طلب فهم را بر دوش می‌کشد از این معنای اصلی خارج شود و بر معانی دیگری از جمله توبیخ، تعجب، استهزا و... دلالت نماید، یک کنش کلامی غیرمستقیم به شمار می‌رود که در علم معانی درباره آن بحث و بررسی شده است. پس از آستین، شاگرد او به نام «سرل» (John Rogers Searle)، کنش‌های گفتار را به پنج دسته تقسیم می‌نماید:

#### الف. کنش اظهاری (Representative Act or Assertive Act)

در این نوع کنش، گوینده تعهد و باور خود را درباره درستی گزاره‌هایی که بیان می‌دارد، آشکار می‌سازد و به توصیف چگونگی وقایع و پدیده‌های جهان بیرون می‌پردازد. چند نمونه از افعالی که دارای این نوع کنش هستند عبارتند از: اظهار کردن، بیان کردن، گفتن، تکذیب کردن، تأیید کردن، شرح دادن، اعتراض کردن، بحث کردن، تصحیح کردن، دلیل آوردن، اثبات کردن، گزارش دادن و معرفی کردن. (Crystal, 2008, 413)

### ب. کنش ترغیبی (Directive Act)

در این کنش، گوینده در راستای برانگیختن مخاطب برای انجام دادن و یا ترک کاری، از واژه‌ها، عبارت‌ها و یا افعال خاصی استفاده می‌نماید که پرسش‌ها و درخواست‌ها، نمونه‌های آشکاری از این نوع کنش محسوب می‌گردند. (همان، ص ۱۴۷) افعال کنشی ترغیبی شامل افعالی هم‌چون: خواستن، دستور دادن، توصیه کردن، پند و اندرز دادن، تمنا کردن، اصرار کردن، هشدار دادن، دعوت کردن، سؤال کردن و معذرت‌خواهی کردن. هستند؛ مانند «من به شما اجازه می‌دهم تا در جلسه روز یکشنبه شرکت نمایی».

### ج. کنش عاطفی (Expressive Act)

این گزاره که در واقع بیان‌گر مواضع عاطفی و احساسی گوینده کلام است، از طریق واژه‌های دارای بار عاطفی و احساسی هم‌چون تبریک گفتن، تسلیت گفتن، مدح کردن، هجو نمودن، تأسف خوردن، سپاس‌گزاری نمودن و مشابه آن، کنش مورد اشاره را در مخاطب ایجاد می‌نماید. (همان، ص ۱۸۰)

### د. کنش اعلامی (Declaration Act)

این کنش در پرتو کاربست گزاره‌هایی است که به شرایط خاصی در بیرون می‌انجامد (همان، ص ۱۳۰)؛ «بدین معنا که هم‌زمان با بیان آن شرایط، انطباقی بین زبان و جهان خارج روی می‌دهد. البته صرف بیان شرایط تازه به منزله انجام یک کنش اعلامی نیست؛ بلکه شرایطی برای تحقق آن لازم است؛ از جمله این که گوینده صلاحیت بیان شرایط جدید را داشته باشد» (پهلوان‌نژاد و رجب‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۴۱) مانند «آغاز نبرد را اعلام می‌کنم» یا «ختم جلسه را اعلام می‌نمایم». افعالی چون «اخراج کردن، نام‌گذاری کردن، اعلام کردن، منصوب کردن، به کار گماردن، آغاز کردن، پایان دادن، باطل کردن، فسخ نمودن و ...»، شامل این نوع کنش هستند.

#### ه. کنش تعهدی (Commissive Act)

این کنش، گوینده را به انجام دادن عملی در آینده متعهد می‌سازد. (Crystal, 2008, 88) فعل‌های قول دادن، سوگند خوردن، تعهد دادن، تضمین کردن، موافقت کردن، متعهد شدن و داوطلب شدن، دربردارنده این نوع کنش هستند؛ مانند «او داوطلب شد تا در دستگیری از مستمندان تلاش نماید». (Searle, 1969, 33)

#### اهمیت بحث

تعلیم عملی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام تحت عناوین «حدیث، خبر، سخنرانی و روایت»، در کنار سایر فعالیت‌های علمی و تربیتی آن بزرگواران همواره مورد توجه بوده است. این نوع از تعلیم، به این دلیل که در قالب گزاره‌های زبانی بیان می‌شود، از اهمیت والایی برخوردار است. در این میان، گزاره‌های پرسشی از پاره‌گفتارهای پرسامد در خطبه‌های پیشوایان معصوم علیهم‌السلام است. گزاره‌های یادشده، ضمن تقویت جنبه کنش‌گری کلام، از عوامل تأثیرگذار در ایجاد کنش‌های زبانی هستند؛ لذا تحلیل سخنان ائمه دین با توجه به نظریه کنش‌گفتار که در خدمت بررسی کارکردهای گزاره‌ای زبان است، یکی از ضرورت‌های عصر کنونی به شمار می‌آید تا در پرتو آن بتوان جوانب پر رمز و راز این گنجینه گران‌بها را آشکار و به جویندگان علم و معرفت عرضه نمود.

#### پیشینه و روش تحقیق

بر اساس بررسی نویسندگان این مقاله، تاکنون چندین پژوهش در زمینه تحلیل نصوص دینی با توجه به نظریه کنش کلامی انجام شده است؛ از جمله: «نظریه کنش‌گفتاری جان استین و فهم زبان قرآن» از ابوالفضل ساجدی؛ «تحلیل گزاره‌های پرسشی سوره مؤمنون بر اساس نظریه کنش‌گفتار» به قلم محسن پیشوایی علوی و فردین حسین‌پناهی؛ «تحلیل متن‌شناسی سوره بقره بر اساس نظریه کنش‌گفتار» نوشته آمنه زارع و سحر زرگری؛ «تأثیر بافت

زمانی و مکانی بر تحلیل کنش گفتار: بررسی فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم» از معصوم حسینی و رادمرد؛ مقاله «تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه حضرت امام رضا علیه‌السلام بر پایه نظریه کنش‌گفتار» به قلم محمدرضا پهلوان‌نژاد و مهدی رجب‌زاده و مقاله «تحلیل خطبه حضرت زینب علیه‌السلام در کوفه براساس نظریه کنش‌گفتار سرل» نوشته طاهره ایشانی و معصومه نعمتی قزوینی.

اگرچه خطبه حضرت زهرا علیه‌السلام در مدینه از جهت مفهوم‌شناسی بررسی شده، تاکنون بر اساس نظریه کنش‌گفتار بررسی نگردیده است و در نوع خود بدیع به شمار می‌آید. بر این اساس، جستار حاضر با بهره‌مندی از نظریه کنش‌گفتار و طبقه‌بندی سرل و با استفاده از مطالعات کیفی و با در پیش گرفتن روش توصیفی - تحلیلی، گزاره‌های پرسشی خطبه مندرج در حضرت زهرا علیه‌السلام در مسجد مدینه را بررسی می‌نماید.

### سؤال‌های تحقیق

این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر است:

۱. در گزاره‌های پرسشی این خطبه، کدام یک از انواع کنش‌ها به کار رفته‌اند؟
۲. بسامد کاربرد هر یک از انواع کنش‌ها در بخش‌های مورد نظر چگونه است؟
۳. انواع و میزان به‌کارگیری کنش‌های موجود در گزاره‌های یادشده تا چه حد با هدف گوینده تناسب دارد؟

### گزاره‌های پرسشی

استفهام، مصدر باب «استفعال»، از ماده «فهم» است و در لغت به معنای پرسیدن به جهت شناختن و فهمیدن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۵۹) و در اصطلاح، یعنی گزاره‌ای که گوینده اظهار می‌دارد تا بر طلب فهم یا شناخت چیزی از مخاطب دلالت نماید؛ بنابراین با دقت در معنای اصطلاحی آن می‌توان گفت: در معنای لغوی استفهام، پرسیدن و طلب

فهمیدن لحاظ شده است؛ به این بیان که پرسش‌گر با ذکر ادات مخصوص، خواهان فهمیدن مطلبی است. گاهی از استفهام، برای منظوری غیر از شناخت و طلب فهم استفاده می‌گردد (ابن‌هشام، ۱۳۶۸، ص ۲۴) که به آن استفهام «مجازی» گفته می‌شود؛ مانند استفهام‌های انکار، تقریر، تعجب، توییح، نفی، تعظیم، وعید، تشویق، تهکم، استبعاد، امر، تمنا، تذکر، تهویل، تحقیر، تنبیه و استهزا، استرشاد، تمنا و دعا. این شیوه یکی از زیباترین شکل بلاغی در انتقال مفهوم مورد نظر محسوب می‌گردد؛ زیرا گوینده با استفاده از استفهام مجازی، مخاطب را به اندیشه واداشته، با تأثیرگذاری بر او، کارکردهای بلاغی ویژه‌ای از گزاره‌های پرسشی را محقق می‌سازد؛ حال آن‌که چنین نتیجه بدیع و برجسته‌ای از به‌کارگیری چارچوب قراردادی و معنای حقیقی استفهام حاصل نمی‌گردد.

گزاره‌های پرسشی مجازی در گفتار پیشوایان دین با شیوه‌های مختلف و متنوع به کار رفته است. این گزاره‌ها، با داشتن کارکردهای معنایی ویژه، همواره مورد توجه پژوهش‌گران بوده‌اند. در واقع یکی از شیوه‌های جذاب و دارای تأثیر در تبیین آموزه‌ها و انتقال مفهوم به ویژه در مقام احتجاج با مخالفان، کاربست گزاره‌های پرسشی در کلام است که گوینده با طرح پرسش و برجسته‌سازی امر مورد اختلاف، به‌گونه‌ای حکیمانه اهداف خود را دنبال می‌کند و با توجه به سیاق کلام و قراین موجود، به خوبی مقصود نهفته در ذهن گوینده را محقق می‌سازد. (الشهری، ۲۰۰۴، ص ۴۸۲)

### بافت موقعیتی (situational context) خطبه فدکیه

در تحلیل و بررسی یک گفتمان، آگاهی از جوانب بافت، امری بسیار مهم و درخور توجه است که تحلیل‌گر از این ره‌گذر، می‌تواند برای دستیابی به مفهوم واقعی متن بهره‌گیرد. کاربرد اصطلاح بافت موقعیتی، با نام «مالینفسکی» (Malinowski) و «ج. ر. فرث» (John Rupert Firth) نداعی می‌شود؛ هرچند آن دو، ارتباط معنا با بافتی را که زبان در آن به کار می‌رود با دو شیوه متفاوت مطرح نموده‌اند. (پالمر، ۱۳۹۱، ص ۸۶-۸۷) بر این

اساس، بحث درباره بافت موقعیتی در میان دانشمندانی چون «سادوک» (J. M. Sadock)، «هایمز» (D. Hymes) و دیگران، به عنوان یکی از حیاتی‌ترین عوامل حاکم بر تحلیل گفتمان مطرح است. (صفوی، ۱۳۹۲، ص ۸۰-۸۱)

با توجه به اهمیت موضوع، بی‌مناسبت نیست در این جا به بافت پیدایش این خطبه اشاره گردد. «فدک»، ملک اختصاصی رسول خدا ﷺ بود که خداوند آن را در اختیار حضرتش نهاده بود. آن بزرگوار نیز بعد از نزول آیه شریفه «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ» (اسراء: ۲۶/۱۷)؛ «و حقّ نزدیکانت را پرداز!»، آن را به دخترش حضرت صدیقه علیّه‌السلام بخشیدند (اربلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۵ / حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۳۸ / سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۷۷) بر این اساس، حضرت فاطمه علیّه‌السلام در زمان حیات پدر گرامی‌شان در آن ملک شخصی تصرف می‌نمودند. بعد از رحلت رسول خدا ﷺ، متولیان امر، فدک را از حضرت زهرا علیّه‌السلام گرفتند و ایشان را از تصرف در آن بازداشتند. استدلال آنان در غصب فدک این بود که اموال و دارایی‌های حضرت پیغمبر ﷺ، به جانشین بعد از ایشان انتقال می‌یابد. بخاری در این باره آورده است:

فاطمه دختر رسول خدا ﷺ نزد خلیفه اول فرستاد و میراث پدرش را مطالبه نمود. خلیفه گفت: «پیامبر فرموده: نحن معشر الأنبياء لا نورث ما تركناه صدقه؛ ... ما ارث باقی نمی‌گذاریم و هر چه بعد از ما باشد صدقه است. خاندان محمد ﷺ می‌خواهند از این مال استفاده کنند. به خدا قسم، چیزی که در زمان رسول خدا ﷺ صدقه بوده تغییر نمی‌دهم و در آن بر پایه‌ای که پیامبر خدا ﷺ عمل نمود؛ عمل می‌نمایم». پس چیزی به فاطمه علیّه‌السلام نداد. فاطمه نیز از او روی برگرداند و تا زمانی که زنده بود با او سخنی نگفت. (۱۴۰۱، ج ۸، ص ۳)

بنابراین پس از آن‌که متولیان امر با استناد به روایتی که «تنها خلیفه اول آن را روایت نموده بود» (الجوهری، ۱۹۹۳، ص ۱۱۱)، فدک را تصرف نمودند و فاطمه زهرا علیّه‌السلام



دریافت که ابوبکر تصمیم دارد فدک را بدو باز پس ندهد، خمار (روسری) خود را بر سر کشید و جلباب (چادری) بر خود پیچید و به همراه گروهی از همراهان و زنان از وابستگان در حالی که دامن پیراهنش، پاهای شریفش را پوشانیده بود و هم‌چون پیامبر خدا ﷺ قدم برمی‌داشت، به مسجد درآمد (همان، ص ۱۰۰) در حالی که ابوبکر در جمع مهاجرین و انصار حضور داشت. آن‌گاه پرده‌ای زدند و زهرا عَلَيْهَا السَّلَام ناله‌ای از دل برآورد که همه اهل مسجد به گریه افتادند. سپس اندکی درنگ کرد تا صدای گریه فرونشست و آغاز سخن نمود و خطبه غرایی ایراد فرمود و از نعمت رسالت حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حکمت احکام آسمانی سخن گفت؛ آن‌گاه در مورد خطر رجعت به جاهلیت به مردم هشدار داد و در بخشی از آن خطابه تاریخی، مسأله میراث خود را از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عنوان کرد و محرومیت از ارث پدر را حکم جاهلیت خواند و مردم را نکوهش نمود که چرا در برابر این جریان سکوت کرده‌اند!

این خطبه، از خطبه‌های مشهوری است که علمای بزرگ شیعه و اهل سنت - با اختلاف در رعایت کلمات و ترتیب متن - آن را نقل نموده‌اند. ابن‌ابی‌الحدید معتزلی، دانشمند معروف اهل سنت در «شرح نهج‌البلاغه»، در شرح نامه «عثمان بن حنیف»، ضمن آوردن خطبه فدکیه نوشته است:

اسنادی را که من برای این خطبه در این‌جا آورده‌ام، از هیچ یک از کتب شیعه نگرفته‌ام. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۶۲، ج ۱۶، ص ۲۱۰)

سپس با اشاره به کتاب معروف «سقیفه»، نوشته «ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری»، از دانشمندان معروف اهل سنت، آورده که او در کتاب خود از طرق بسیاری این خطبه را نقل نموده است. (همان) از نمونه‌های بسیار جالب، نقل این خطبه در کتاب «المنظوم و المنتور من کلام نسوان العرب من الخطب والشعر» است که نویسنده آن از علمای متقدم اهل سنت به شمار می‌آید و نسخه خطی این کتاب در خزانه متوکل عباسی بوده است. (محمودی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۸۴)

#### ۴. کنش‌های کلامی گزاره‌های پرسشی در خطبه فدکیه

این خطبه از بخش‌های متنوعی تشکیل شده است؛ از جمله حمد و ثنای الهی، ترسیم هدف رسالت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وظیفه مهم مسلمانان به عنوان اولین حاملان پیام نبوت، جایگاه قرآن و عترت و سفارش به رعایت تقوای الهی، معرفی خود به عنوان دختر پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یادآوری سفارش‌های حضرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نگه داشتن حرمت و احترام خاندان او، وضعیت اسفبار دوران جاهلیت، رنج‌ها و تلاش‌های حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام در تبلیغ اسلام، بازگشت مردم به زمان جاهلیت، سقوط در فتنه به بهانه‌های واهی، توییح غاصبان فدک، استدلال‌های قرآنی درباره فدک، شکایت به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، یاری خواستن از انصار، سرزنش انصار و مردمان به ظاهر مسلمان و پاسخ‌های دندان‌شکن به حدیث جعلی مورد ادعای متولیان امر.

با بررسی گزاره‌های این خطبه، تعداد ۳۱ گزاره پرسشی استخراج گردید. این پاره‌گفتارها که نقش مهمی در ایجاد کنش دارند، ضرورت بررسی و تحلیل گزاره‌های مذکور را دوچندان می‌سازد. سازوکارهای کنشی این گزاره‌ها بر اساس رهیافت‌های نظریه کنش کلامی بدین شرح است.

#### ۱. سقوط در فتنه به بهانه‌های واهی

استناد حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام به آیات شریفه قرآن، از جنبه‌های شاخص این خطبه است: «... وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ. بَدَارًا زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ! أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ؛ فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ وَ كَيْفَ بِكُمْ وَ أُنِّي تُؤَفِّكُونَ؟!». (طبرسی، ج ۱، ۱۹۶۶، ص ۱۳۷) «و پیامبر هنوز دفن نگردیده بود! به گمان ترس از بروز فتنه به سرعت اقدام کردید، ولی بدانید که در فتنه سقوط کردند و جهنم کافران را از هر سو دربرمی‌گیرد! این کارها از شما بعید بود (شما کجا و فتنه خواباندن کجا؟) و چگونه چنین کاری کردید و به کجا باز می‌گردید؟!» (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۷)

حضرت در این بخش، با استفاده از آیه قرآن، به یکی از مصادیق سقوط در فتنه از منظر این کتاب آسمانی اشاره فرموده است. در این آیه آمده: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَذُنٌ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه: ۹ / ۴۹) «بعضی از آن‌ها می‌گویند: به ما اجازه ده (تا در جهاد شرکت نکنیم)، و ما را به گناه نیفکن! آگاه باشید آن‌ها (هم‌اکنون) در گناه سقوط کرده‌اند؛ و جهنم، کافران را احاطه کرده است.»

در شأن نزول آیه مورد اشاره گفته‌اند:

برخی از منافقان، از رسول خدا ﷺ اجازه خواستند تا به جنگ تبوک نروند و بهانه آنان این بود که اگر در این نبرد شرکت نمایند، با توجه به محبت زیادی که به دارایی‌ها و فرزندان خویش دارند، در فتنه خواهند افتاد؛ پس آیه مذکور نازل شد و آنان را رسوا ساخت ... (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۱۵)

بر این اساس، «خدای تعالی از این پیشنهادشان جواب داده و فرموده: "این‌ها با همین عملشان در فتنه افتادند"؛ یعنی این‌ها به خیال خودشان از فتنه احتمالی احتراز می‌جویند، در حالی که سخت در اشتباهند، و غافلند از این‌که کفر و نفاق و سوءنیتی که دارند و این پیشنهادشان از آن حکایت می‌کند فتنه است؛ غافلند از این‌که شیطان آنان را در فتنه افکنده و فریب داده و دچار هلاکت کفر و ضلالت و نفاق ساخته است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۱۰)

صدیقه طاهره عليها السلام رفتار سیاسی برخی از یاران پیامبر صلى الله عليه وآله را پس از رحلت آن حضرت مصداقی از معنای آیه شریفه قلمداد می‌نمودند که در واقع آنان به بهانه اجتناب از فتنه، دست به عملی زده‌اند که خود منشأ وقوع فتنه‌ای بس عظیم و نامیمون شده‌اند. گزاره پرسشی «كَيْفَ بَكُمْ وَ أَيْ تُوَفِّكُونَ»، برای استفهام انکاری مفید تعجب آمیخته با سرزنش است. این دو سؤال از نوع کنش کلامی غیرمستقیم یا کنش عاطفی است که استفاده از «کیف» از میان ادوات استفهام، انکار موجود و مفاهیم نهفته در آن را تقویت نموده و با مبالغه

بیش‌تری همراه ساخته است. در واقع سخن از کج‌روی مردمانی است که سال‌ها در کنار پیامبر خدا ﷺ بوده و با آموزه‌های دین او آشنایی داشته‌اند؛ لذا مفهوم «کیف» که همان تعجب و شگفتی از حالت مخاطب و چگونگی آن است، با سرزنشی بسیار عمیق و تأسف‌آور همراه شده است؛ بدین صورت که حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ با تعجب و نگرانی از انحرافی که در مسأله مهم امامت پیش آمد و مردم ساده‌لوح، بازیچه سیاست شیطانی شدند، از آنان می‌پرسد: «چرا این‌گونه شده‌اید؟ شما که ایمان به پیامبر خدا ﷺ داشتید و او را یاری می‌کردید، چرا اکنون در صف دشمنان او قرار گرفته‌اید؟» بنابراین در این بخش، از شتاب مردم به سوی ارتداد و روی‌گردانی از دین آن‌هم در زمانی که هنوز پیامبرشان دفن نشده بود اظهار شگفتی می‌نمایند. عجیب‌تر آن‌که آنان با آوردن بهانه‌های بی‌جا در توجیه عمل خود که فرار از فتنه بود، مسیر هدایت و رهبری صحیح امت اسلامی را دچار انحراف نمودند و این رفتار ناشایست، بنابر باور آن حضرت، نوعی فتنه به شمار می‌آید که این امر موجبات سرزنش در آنان را فراهم آورده است؛ لذا حضرت در ادامه، با تأکید بر سرزنش آنان می‌فرمایند:

وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ وَ أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ وَ زَوَاجِرُهُ لَاحِظَةٌ وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ. أَرْعَبَةٌ - وَيَحْكُمُ - عَنْهُ تُرِيدُونَ أُمَّ بَعِيرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بئسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا. وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۷) «با این‌که کتاب خدا در بین شماست! کتابی که آموزش ظاهر و احکامش نورانی و علامت‌هایش واضح و نواهی‌اش تبیین شده و اوامرش روشن است، به چنین کتاب‌خداایی پشت نمودید. وای بر شما! آیا می‌خواهید از او روی‌گردانید یا به غیر آن‌چه که در آن است حکم کنید؟ بد جایگزینی برای ظالمان است، و کسی که غیر اسلام را به عنوان دین برگزیند، از او قبول نمی‌شود و در آخرت از زیان‌کاران خواهد بود». (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۷)

پرسش «أَرْغَبَةٌ - وَيَحْكُمُ - عَنْهُ تُرِيدُونَ أَمْ بَعْضُهُ تَحْكُمُونَ؟»، کنش کلامی غیرمستقیم از نوع کنش عاطفی است که برای سرزنش مخاطبان ایراد شده است. در این قسمت، آمدن عبارت فوق، پس از عبارت «وَكِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ و...»، موجب تشدید کنش کلامی گزاره پرسشی شده است که به‌کارگیری این نوع گزاره، برای بازگشت مخاطب به مسیر واقعی و راستین دین اسلام به مراتب اثرگذارتر است. گوینده سخن در ادامه با استفاده از آیه شریفه «بُئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا»، به عاقبت ظلم اشاره نموده و در واقع جریان سقیفه و پیامدهای آن و نیز پشت کردن به قرآن را مصداق بارز ظلم دانسته و عاملان آن را از گروه ظالمان معرفی نموده‌اند.

با توجه به سیاق این آیه که درباره تمرد شیطان از بندگی خداوند و سرپیچی از سجده به حضرت آدم است، معنای مورد نظر حضرت تأکید می‌شود که اینان از ستم‌کاران هستند؛ زیرا بدکاری را به جای عبادت پروردگار خود انجام می‌دهند و ابلیس را اطاعت می‌کنند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۵، ص ۸۱) بر این اساس باید گفت: حضرت فاطمه علیها السلام با آوردن این گزاره خبری پس از گزاره پرسشی «أَرْغَبَةٌ - وَيَحْكُمُ - عَنْهُ تُرِيدُونَ أَمْ بَعْضُهُ تَحْكُمُونَ»، به طور هدفمند و کاملاً هوشمندانه، در صدد ایجاد کنش ملامت و توبیخ شنوندگان همراه با تأکید فراوان بوده‌اند.

## ۲. توبیخ غاصبان فدک

سخنرانی کوبنده حضرت زهرا علیها السلام در حالی ایراد می‌شد که تمامی اقدامات حضرت در باز پس گرفتن فدک بدون نتیجه مانده بود و غاصبان هیچ‌گونه عکس‌العمل مثبتی نشان نداده بودند؛ لذا با ادله متقن، سکوت مردم و بی‌اعتنایی آنان به چنین ظلمی را محکوم ساخته، چنین فرمودند:

وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا وَلَا حَظًّا!! أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوفُونَ أَفَلَا تَعْلَمُونَ (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۸)

«و شما اکنون معتقدید که ارثی و نصیبی برای ما نیست! آیا در پی حکم جاهلیت هستید؟! و چه حکمی بهتر از حکم الهی برای گروهی است که یقین دارند؟ آیا نمی‌دانید؟!» (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۸)

گزاره خبری «وَأَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا وَلَا حَظًّا!»، در نقش کنش اظهاری است که با توجه به کاربست واژه «تزعمون» در این عبارت به منظور آگاهی‌بخشی به مخاطب در اصلاح یک پندار بی‌اساس است که با عمل به آن مرتکب یک رفتار نابه‌نجار و سزاوار توبیخ شده است؛ چنان‌که در قرآن کریم نیز خداوند متعال، معتقدان به «زعم» و پندار را در تمامی موارد سرزنش نموده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۰)

حضرت زهرا علیها السلام ابتدا با آوردن یک کنش اظهاری، ریشه انحراف مخاطبان را پیروی از پندارهای باطل برمی‌شمارند و پس از آن با گزاره پرسشی «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْعُونَ»، آنان را به چالش می‌کشند که در حقیقت، حضرت این انحراف را نتیجه بازگشت آنان به باورهای باطل دوران جاهلیت معرفی می‌نمایند؛ چون دخترها در آن زمان از ارث محروم می‌شدند؛ چنان‌که زمخشری آورده است: «عادت عرب جاهلی این بود که زنان و کودکان را از ارث محروم می‌کردند و حق آن‌ها را برای خود برمی‌داشتند» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۷۵۱)؛ لذا این گزاره که بر کنش ترغیبی مشتمل است، به منظور انکار و توبیخ مخاطب ایراد شده است و تقدیم مفعول به «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ» نیز این انکار را تأکید می‌کند که در واقع این کنش در جهت توجه دادن مخاطب و ترغیب او به دست برداشتن از قول و عمل نادرست است.

گزاره پرسشی «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ»، با کنش عاطفی ایراد شده است. این گزاره با مضمون انکار، نفی و تعجب، خطاب به مردم حاضر در مسجدالنبی، بر این مفهوم تأکید دارد که شما حکمی را که بر خلاف دستور خداوند است الگوی عمل قرار می‌دهید، در حالی که حکم هیچ کس بهتر از حکم خداوند نیست و این امر از افرادی چون شما که از پیروان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اید بسیار بعید و جای بسی شگفت است. این عبارت هم‌چنین یک گزاره خبری و توضیحی است که به منظور اقناع مخاطب به کار رفته است؛

زیرا این هدف در گزاره‌های پرسشی توضیحی گاهی مورد اقبال گوینده قرار می‌گیرد. (ابن المنیر، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۱۵۵) «جمله: "لِقَوْمٍ يُوقِفُونَ" که در آن وصف یقین اعتبار شده، در حقیقت گوشه و کنایه‌ای است به همان افرادی که حکم خدا را نمی‌پذیرند، به این بیان که اگر این‌ها در ادعایشان (ایمان به خدا) صادق باشند، باید به آیات خدا یقین داشته باشند؛ [زیرا] کسانی که به آیات خدا یقین دارند، قطعاً منکر این هستند که حکم کسی بهتر از حکم خدای سبحان باشد». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۵۸۳) کنش کلامی پرسش «أَفَلَا تَعْلَمُونَ؟!»، غیرمستقیم از نوع کنش عاطفی و بیان‌گر انکار همراه با سرزنش است؛ بدین معنا که آن حضرت می‌فرماید: چرا خود را به نادانی زده‌اید و از این همه نشانه‌های آشکار چشم‌پوشی می‌کنید؟

«بَلَىٰ قَدْ تَجَلَّىٰ لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ أَيُّ ابْتِئَتْهُ. أَيُّهَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ، أَأَغْلَبُ عَلَىٰ إِرْتِيَةِ؟» (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۸)؛ «البته که هم‌چون آفتاب تابنده برای شما روشن است که من دختر اویم. از شما مسلمانان بعید است! آیا به زور ارث من گرفته شود؟». (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۸) آن حضرت پس از آن، برای تأکید بر واهی بودن بهانه‌های مخاطبان و تصریح در عمدی بودن اعراض آنان از احکام الهی، با استفاده از کنش اعلامی، خود را دختر رسول خدا ﷺ معرفی می‌کنند و بر این مسأله اصرار دارند که آنان از این نسبت آگاهی داشته‌اند؛ اما به دلیل پیروی از سنت‌های دوران جاهلیت و با کنار گذاشتن سفارش‌های پیامبر خدا ﷺ چنین ظلمی را در حق دخترش روا داشته‌اند؛ بنابراین بار دیگر به شکل غیرمستقیم، مسلمانان حاضر را سرزنش نموده‌اند.

گزاره «أَغْلَبُ عَلَىٰ إِرْتِيَةِ؟»، یک استفهام انکاری است. این گزاره از کنش‌های کلامی غیرمستقیم محسوب می‌گردد که به منظور ایجاد کنش ترغیب در مخاطب استفاده شده است. آمدن این گزاره از زبان حضرت زهرا عليها السلام در این بخش، مخاطب را در دفاع از حریم رسول الله صلى الله عليه وآله و جلوگیری از پایمال شدن حقوق این خاندان تحریک می‌نماید. در حقیقت آن حضرت از مسلمانان می‌خواهند تا در برابر حق‌کشی‌های برخی از سیاست‌بازان

قیام کنند و در این مسیر از او حمایت نمایند؛ هم‌چنین آنان را از عواقب وخیم چنین حرکتی آگاه نموده، از فرجام گناه بزرگی چون دستبرد به اموال تنها وارث پیامبر خدا ﷺ به آنان هشدار می‌دهند و با لحن استغاثه و دادخواهی می‌فرمایند:

ای مسلمانان! این گونه دارید نگاه می‌کنید و ارث مرا می‌برند؟ هان! به یاری قرآن برخیزید که قرآن را زیر پا می‌گذارند، و این سرآغاز نقطه انحراف از احکام اسلام است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ آبَاكَ وَ لَا أُمَّتَكَ أَفِي كِتَابِ اللَّهِ لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا فَرِيًّا جُرْأَةً مِنْكُمْ عَلَى قَطِيعَةِ الرَّحِمِ وَ نَكْثِ الْعَهْدِ؛ (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۸) «ای پسر ابوقحافه! آیا در قرآن است که تو از پدرت ارث ببری و من نبرم؟ این افترا و جرأت بر پروردگار و عهدشکنی با پیامبر و کنار گذاردن قرآن است». (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۸)

کاربرد حرف ندای «یا» در آغاز عبارت، به منظور جلب توجه مخاطب برای اجرایی کردن کنش موردنظر در فرد منادی است. گزاره پرسشی «أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ آبَاكَ وَ لَا أُمَّتَكَ؟»، استفهام انکاری است که برای باطل بودن پندار مخاطب به کار رفته است. در واقع حضرت فاطمه عليها السلام با استفاده از این گزاره پرسشی از نوع کنش کلامی غیرمستقیم و در قالب کنش عاطفی با مفهوم ثانوی استفهام انکاری در معنای باطل بودن ادعای مخاطب، در صدد انکار سخن حریف برآمده‌اند و با این جملات منطقی و همراه با توبیخ و تهدید، شخص اول حکومت را مخاطب ساخته، او را به چالش می‌کشاند و ثابت می‌نمایند که او در قضاوتش به بی‌راهه رفته است.

«أَفَعَلَىٰ عَمَدٍ تَرْكُتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ بَدْتُمْوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ؟» (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۸)؛ «آیا از روی عمد کتاب خدا را رها کرده و پشت سر خود افکندید؟» (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۸) این گزاره با کنش عاطفی و با معنای استفهام انکاری همراه با سرزنش، بار دیگر به مخالفت با پندار مخاطبان می‌پردازد و در کارکرد کلی خود، دنبال ایجاد کنش ترغیبی در حریف است؛ زیرا با تکیه بر باطل بودن باور آنان، تلاش دارد تا آنان را به سوی



التزام عملی به احکام و حدود الهی قرآن کریم ترغیب نماید. بر این اساس، در ادامه نیز به منظور تکمیل این روند با استشهاد به آیات قرآن کریم و با استفاده از کنش‌های کلامی مختلف در قالب کنش اظهاری، مخاطب را بر اشتباه خود آگاه ساخته و او را محکوم نموده‌اند.

إِذْ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَوَرثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ»، مَعَ مَا قَصَّ مِنْ حَبْرٍ يَحْيَى وَ زَكَرِيَّا إِذْ قَالَ: «رَبِّ... فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْتُدُّ وَيَرثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ»، وَ قَالَ: «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»، وَ قَالَ: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَّيْنَ»، وَ قَالَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ». (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۸)

حضرت زهرا علیها السلام در این قسمت از سخنرانی، با آیاتی خبری مشتمل بر کنش اعلامی در معنای اعلام، قصد دارند تا اثبات نمایند که دختر پیامبر از پدرش ارث می‌برد؛ زیرا ارث بردن فرزندان انبیا به ویژه از پدرانشان در کتاب الهی، امری ثابت و انکارناپذیر است؛ مانند ارث بردن حضرت سلیمان علیه السلام از پدرش داوود علیه السلام و مانند ارث بردن یحیی علیه السلام از زکریا علیه السلام و همچنین با توجه به عمومات قرآن کریم در مقوله ارث و وصیت، تفکیکی میان پیامبر خدا و سایر مردم دیده نمی‌شود؛ بنابراین شامل رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌گردد؛ لذا استدلال مخاطب به حدیث منع حضرت زهرا علیها السلام از ارث، سخنی بدون دلیل و بلکه مخالف با کلام خداوند است.

آن حضرت پیش از این، با گزاره‌های خبری، بر نادرستی اقدامات کارگزاران حکومتی اصرار نموده، در ادامه احتجاج با مخاطبان، بار دیگر با استفاده از گزاره پرسشی، بر نادرستی باور آنان تأکید می‌نماید:

«فَزَعَمْتُمْ أَنْ لَا حَظَّ لِي وَلَا إِرْثَ لِي مِنْ أَبِي وَ لَا رَحِمَ يَبِينَا؟!» (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۸)؛ «گمان نمودید بهره‌ای از ارث برای من نیست و از پدرم ارثی به من نمی‌رسد و بین من و پدرم نسبتی نیست؟!»

این گزاره پرسشی با کنش عاطفی و با معنای استفهام تقریری همراه با توییح، بر قطعی بودن نسبت خود با پیامبر خدا ﷺ و ارث بردن از آن جناب تصریح می‌نماید. در ادامه با استفاده از سه گزاره پرسشی با معنای استفهام انکاری همراه با ابطال ادعای مخاطبان، گفتار آنان را مخالف با حقیقت معرفی می‌نمایند.

أَفْخَصَّكُمْ اللَّهُ بِآيَةٍ أُخْرَجَ أَبِي مِنْهَا؟ أَمْ تَقُولُونَ أَهْلُ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثُونَ؟!  
 أَوْلَسْتُ أَنَا وَآبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۸)

آیا خداوند شما را به آیه‌ای اختصاص داده که پدرم را از آن خارج نموده است یا می‌گویید ما اهل دو مذهب هستیم که از یک‌دیگر ارث نبریم؟! آیا من و پدرم هر دو اهل یک مذهب نیستیم؟! (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۸)

یکی از کارکردهای زبانی گزاره‌های پرسشی در این خطبه، پاسخ دندان‌شکن به شبهات و بهانه‌جویی‌های مخالفان است. بر این اساس، این سه پرسش که با کنش عاطفی همراه است، هم‌چنین می‌تواند به منظور افاده معنای تقریر به کار رفته باشد که از اهداف بسیار دقیق در کاربرد استفهام در مقام احتجاج با مخالف است؛ زیرا بدین وسیله، «مخاطب بر اقرار به امری که در نزدش ثابت و غیر قابل انکار است وادار گشته» (عبدالعزیز، ۲۰۱۱، ص ۷۲) و گوینده به مقصود خود دست می‌یابد؛ لذا حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ پس از گرفتن چند اقرار از مخاطبان که عبارت است از: اقرار به شمول عموم و اطلاعات آیات قرآنی بر حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و پدر ایشان، عدم اختصاص مفهوم آیات ارث به غیر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، عدم جدایی آن حضرت از مسلک و مرام پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جوانب استدلال را تحکیم نموده و به اشکالات مقدر پاسخ گفته‌اند؛ زیرا چنان‌که در بخش‌های پایانی این خطبه آمده، کسی از حاضران از جمله خود خلیفه ایرادی نگرفت، بلکه سخن آن حضرت را تأیید نمودند. سپس در آخرین گزاره پرسشی از این قسمت می‌فرماید: «أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟!»، (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۹) «یا این‌که شما به عام و خاص قرآن از پدرم و پسر عموم (علی عَلَيْهِ السَّلَامُ) آگاه‌ترید؟» (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۸)

دخت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این گزاره پرسشی با کنش عاطفی و با معنای استفهام انکاری همراه با توییخ، به معارضه با غضب‌کنندگان فدک می‌پردازد و ضمن پاسخ‌گویی به اشکال دیگری که ممکن است در اذهان مخاطبان باشد، آنان را به دلیل پیروی از عقاید باطل سرزنش می‌نماید. اشکال این است که آنان ادعا نمودند ظاهر قرآن کریم به دلیل روایتی که خلیفه اول نقل کرد، شامل پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نمی‌گردد و به تعبیری دیگر، عموم آیات ارث و مشابه آن به واسطه آن روایت تخصیص می‌خورد. حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام با عبارت ضمن انکار مفهوم فوق، پدر و همسرش حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام را آگاه‌ترین افراد به عموم و خصوص و معارف کتاب آسمانی معرفی می‌فرماید. با توجه به این که آنان اشاره‌ای به این نوع مفهوم از آیات ارث نکردند، سخن حریف تفسیر به رأی و باطل است.

### ۳. یاری‌خواهی از انصار

دخت فرزانه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از احتجاج با غضب‌کنندگان فدک، رو به انصار (مردم مدینه) کردند، همانان که وقتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مکه به سوی آنان هجرت نمود، پیمان بستند که ایشان را در راه خداوند یاری کنند و اینک دختر عدالت‌خواه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رو به آنان نمودند و پس از یادآوری گذشته، از آنان خواستند که او را در برابر ستمگران یاری کنند و فرمود:

يَا مَعْشَرَ الْبَقِيَّةِ، وَ أَعْضَادَ الْمِلَّةِ، وَ حَصَنَةَ الْإِسْلَامِ! (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۹)؛ «ای یادگاران زمان پیامبر! و ای یاوران دین و در آغوش‌گیرندگان اسلام!». (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۹)

این قسمت با گزاره انشایی به همراه کنش ترغیبی، خطاب به انصار آغاز می‌گردد و بدین‌سان فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام آنان را یادگاران زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یاوران دین می‌خواند؛ بدان امید که اراده و احساسات انسانی و اسلامی آنان را علیه ستم و فریب و به یاری حق و عدالت، ترغیب و به حرکت درآوردند. در ادامه با گزاره‌های پرسشی غیرمستقیم به دلیل کوتاهی آنان در انجام دادن مسئولیت‌ها، مورد عتاب و سرزنش قرار می‌دهند:

«ما هذِهِ الْفِتْرَةُ عَنْ نُصْرَتِي وَالْوَيْبَةُ عَنْ مَعُونَتِي وَالْعَمِيْزَةُ فِي حَقِّي وَالسَّيِّئَةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟!» (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۹)؛ «این چه سستی است در یاری من و چه ضعفی است در کمک به من و چه کوتاهی است درباره حق من و چه خوابی است که در مورد ظلم به من شما را فرا گرفته است؟!» (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۹) این گزاره‌های پرسشی، با کنش عاطفی و با لحنی ملامت از توبیخ و سرزنش، گروه انصار را متوجه مسئولیت شدیدشان ساخته، آنان را سرزنش می‌نماید.

حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ در گزاره پرسشی «وَالسَّيِّئَةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟!» «سکوت مرگ‌بار گروه انصار در برابر ستم حکومت را که به یاری و همراهی او بر نمی‌خیزد، به "سنة" یا چرت‌زدگی که مقدمه خواب‌گرانی است و در آن شرایط، دستگاه شعور و دریافت انسان تعطیل می‌گردد، تعبیر می‌کند». (قزوینی، ۱۳۸۴، ص ۵۱۵)

«أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَبِي يَقُولُ: الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ؟»؛ (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۹) «آیا پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پدرم نمی‌فرمود: حرمت هر کسی را نسبت به فرزندانش باید نگاه داشت؟» (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۹) این گزاره پرسشی، دارای مضمون استفهام تقریری با هدف ایجاد کنش ترغیبی در مخاطبان، یادآوری می‌کند که آنان با پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیعت کرده بودند تا از فرزندان او مانند خانواده خود دفاع کنند و گلایه می‌کند که بعد از رحلت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انواع ظلم در حق فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ به عمل آمده، در حالی که آنان چشم‌پوشی و غفلت می‌نمایند.

در این بخش، دو پرسش مقدر نیز وجود دارد. هدف از بیان این عبارت، یادآوری جایگاه خود نسبت به پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مسئولیت مخاطبان نسبت به ایشان و دخترش حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ است. در حقیقت می‌فرماید: آیا پیامبر پدر من نیست و آیا من یگانه دختر او نیستم؟ آیا بر شمایان لازم نیست که جایگاه مرا به احترام مقام والای پدرم گرمی دارید و نگذارید حقوق و امنیت من پایمال شود؟ پرسش‌های مقدر از نوع کنش ترغیبی است و با هدف ترغیب مخاطبان به حفظ حرمت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یگانه یادگار او و مخالفت با ستم‌کاران بیان شده است.

«أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ؟». (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۳۹)؛ «می‌گویید: محمد رسول خدا از دنیا رفت؟» (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۹) این پرسش، عطف به پرسش‌های پیشین و با کنش عاطفی است. حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ در ادامه سرزنش مخاطبان به دلیل وهم باطل آنان بر ساحت مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در مقام انکار، بر باطل بودن اندیشه مردن پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از رحلت تأکید فرموده‌اند و در عین حال آمیخته با توییح این مفهوم را می‌رساند که آنان برای اجرای نقشه‌های شوم خود از سر دادن شعار «مات محمد» باکی ندارند. گویا حضرت فرموده‌اند: چرا اندیشه‌ای را نسبت به پیامبر در ذهن خود می‌پرورانید که به آن عالم نیستید؟! آیا این کار درست است که شما با جهل و بی‌خردی، مطلبی را به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت بدهید؟ در پاسخ به این سؤال اگر می‌گفتند: نه، سند محکومیت خود را امضا کرده بودند و اگر می‌گفتند: بله، خود را رسوا می‌ساختند؛ زیرا بر جهل و بی‌خردی خود صحنه می‌گذاشتند و اقرار می‌داشتند که با تمسک به این پندار زشت است که به گذشته برگشته و احکام جاهلیت را پیروی می‌کنید بالاخره این حقیقت را نمی‌توانند انکار کنند که این نوع اقدام، با روح اسلام و حدود الهی منافات داشته، نوعی تهمت محسوب می‌گردد؛ چنان‌که در قسمت بعد، با استفاده از آیه قرآن به این مطلب اشاره می‌نمایند: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَبْصُرَ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ». (آل عمران: ۳ / ۱۴۴)؛ «محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فقط فرستاده خداست؛ و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟ (و اسلام را رها کرده، به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب بازگردد، هرگز به خدا ضرری نمی‌زند؛ و خداوند به زودی شاکران (و استقامت‌کنندگان) را پاداش خواهد داد». (مکارم، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۶۸)

گزاره خبری «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ»، در نقش کنش اظهاری است. حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ با استشهاد به این آیه، بر این واقعیت تصریح دارند که دین اسلام

آیین فردپرستی نیست و اگر پیامبر از دنیا برود، وظیفه مسلمانان بدون تردید ادامه مسیر روشن اسلام است؛ زیرا با شهادت و یا مرگ او، اسلام پایان نمی‌یابد؛ بلکه تا ابد جاویدان خواهد ماند. سپس با گزاره پرسشی که ادامه آیه است، این سخن را تأکید می‌فرماید: «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ أَثْقَلْتُمْ عَلَيَّ أَغْضَابِكُمْ».

«گفته‌اند مراد این است که اصحاب انبیا پس از مرگ و یا قتل پیغمبر خود مرتد نشدند؛ شما نیز به آن‌ها اقتدا کنید» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۲۷۹) که در این صورت گزاره موجود دارای کنش ترغیبی است. حضرت فاطمه علیها السلام با استفاده از استفهام انکاری دارای کنش ترغیبی، ضمن بر حذر داشتن مخاطبان از رجوع به گذشته سیاه دوران جاهلیت، آنان را به پیروی از دین اسلام ترغیب می‌نمایند. سپس با توجه به امکانات و ابزار و نیروهایی که در دست انصار بود و آنان می‌توانستند با تمام توان از حضرت فاطمه علیها السلام دفاع کنند، در تحریک آنان می‌فرمایند:

إِنِّهَا بَنِي قَيْلَةَ! أَهَضَمُ ثُرَاتَ أَبِي وَ أَنْتُمْ بَمَرَأَى مِئِي وَ مَسْمَعٍ وَ مُتْنَدَى وَ مَجْمَعٍ  
تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ وَ تَشْمَلُكُمْ الْخَبْرَةُ... (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۴۰)؛ «از  
شما بعید است ای پسران قیله! آیا در ارث پدرم به من ظلم شود در حالی که  
شما حال مرا می‌بینید و صدای مرا می‌شنوید و اجتماعتان منسجم است و  
ندای نصرت‌طلبی من به شما می‌رسد و آگاهی بر مظلومیت من همگی شما  
را فرا گرفته است؟!» (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۴۹)

حضرت بار دیگر با استفاده از یک گزاره پرسشی، انصار را مخاطب قرار دادند. این گزاره، استفهام انکاری همراه با توییح و به منظور ایجاد کنش غیرمستقیم یا کنش ترغیبی در شنوندگان به کار رفته است؛ یعنی ای گروه انصار! آیا باید وضعیتی پیش آید که در حکومت اسلامی به دختر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این همه ظلم بشود و کسی نتواند از او دفاع نماید؟ در حالی که شما تمامی حوادث را مشاهده نموده و فریاد دادخواهی دخت نبی اکرم صلی الله علیه و آله را می‌شنوید و هم‌چنین یارای دفاع از حریم نبوت و حق مشروع او را دارید، پس چرا در این امر کوتاهی می‌کنید!

«إِيهَاءً» به فتح همزه و تنوین [اسم فعل] به معنای «هیئات» است» (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۲۲۶) و مراد از «بَنُو قَيْلَةَ»، دو قبیله اوس و خزرج از انصار هستند که «قَيْلَةَ» نام جده اعلای آن‌هاست. (میرجهانی، ۱۳۷۱، ص ۴۸۸) کاربرد اسم فعل و هم‌چنین مخاطب قرار دادن انصار با نام جده آنان، همه در خدمت هدف مذکور است. حضرت در ادامه نیز در ایجاد کنش مورد اشاره به آیه زیر استشهاد نمودند: «أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدْوُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (توبه: ۹ / ۱۳)؛ «آیا با گروهی که پیمان‌های خود را شکستند، و تصمیم به اخراج پیامبر گرفتند، پیکار نمی‌کنید؟! در حالی که آن‌ها نخستین بار (پیکار با شما را) آغاز کردند؛ آیا از آن‌ها می‌ترسید؟! با این‌که خداوند سزاوارتر است که از او بترسید، اگر مؤمن هستید!». (مکارم، ۱۳۷۳، ص ۱۸۸)

«أَلَا تُقَاتِلُونَ»، استفهامی است ولی منظور، تحریک و ایجاب است و معنای جمله آن است که چرا کارزار نمی‌کنید با مردمی که پیمان‌های خویش را شکستند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۳۱) این آیه شریفه، در مورد خطاها و سرکشی‌های مشرکان مکه و خیانت‌هایی که به خدا، حق و حقیقت ورزیدند، نازل گردیده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۱۲) اما حضرت با ژرف‌نگری خویش آن را در میان سخنان روشن‌گرانه خویش گنجانیدند تا آنان را به یاری و هم‌کاری خویش در راه حق و عدالت و پیکار با ظلم و استبداد ترغیب کنند؛ چنان‌که در ادامه آیه نیز این امر با یک پاره‌گفتار پرسشی دیگر تکرار می‌گردد؛ لذا می‌فرماید: «أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». این گزاره پرسشی در قالب استفهام به همراه کنش ترغیبی است که منظور «دلیر کردن مسلمانان است برای کارزار با آنها، و غایت فصاحت در این جمله به کار رفته؛ زیرا با یک لفظ هم آن‌ها را سرزنش فرموده و هم به جنگ دلیرشان ساخته». (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۳۲)

بانوی بزرگ اسلام در ادامه، بار دیگر با واکنش به دروغ‌بزرگی که به پیامبر راست‌گو بسته شد، از روی تعجب فرمود: «أَفَتَجْمَعُونَ إِلَى الْغَدْرِ اعْتِلَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ؟» (طبرسی،

۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۴۴)؛ «آیا همگی بر سر بی‌وفایی اجتماع کرده‌اید و عذرتان در این باره دروغی است که پرداخته‌اید؟!» (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۵۱) حضرت این کلام را به زبان آوردند تا بزرگ بودن گناه را نشان دهند و یادآور شوند که این افترا به پیامبری بسته می‌شود که بنابر صراحت آیات الهی، همه گفتار و کردارش براساس وحی خدایی است و هرگز از روی هوا و هوس سخن نگفته است؛ بر این اساس، برای تشدید و افزایش کارکرد کنشی کلام، از گزاره پرسشی استفاده نموده است.

این گزاره برای استفهام انکاری همراه با تعجب است. این سؤال همانند بیشتر گزاره‌های پرسشی به کار رفته در این سخنرانی، از نوع کنش کلامی غیرمستقیم یا کنش عاطفی است. گوینده در آخرین گزاره پرسشی خطبه مورد بحث، به ذکر علت واقعی انحراف در مخاطبان پرداخته؛ می‌فرماید: «أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟» (طبرسی، ۱۹۶۶، ج ۱، ص ۱۴۴)؛ «آیا در کلمات قرآن تدبر نمی‌کنید (تا حقیقت را دریابید و وظایف خود را انجام دهید) یا آن‌که بر قلب‌هایتان قفل‌هایی زده شده است؟» (انصاری - رجایی، ۱۳۷۶، ص ۵۲) حضرت زهرا علیها السلام پیش از این در لابه‌لای خطبه، با استناد به آیات قرآن کریم، تصرف‌کنندگان فدک را محکوم ساختند؛ لذا در پایان نیز بار دیگر به منظور اتمام حجت، با استفاده از آیه قرآنی روی سخن خود را به مردم نمودند و آنان را مخاطب ساختند. این گزاره که حاوی استفهام انکاری است، برای افاده کنش عاطفی آمده و سرزنش مخاطبان را به دنبال دارد. می‌توان گفت چند پرسش مقدر در این گزاره وجود دارد که همگی برای سرزنش مخاطبان ایراد شده است. در واقع مخاطبان با پرسش‌های ذیل مورد سؤال واقع شده‌اند:

۱. آیا آیات روشنی را که درباره ما خاندان نبوت نازل شده به فراموشی سپردید؟
۲. آیا آیات صریحی را که در مورد جریان قانون ارث در خاندان‌های پیامبران، برای شما قرائت کردم درک نکردید یا این‌که قلب‌های شما قفل زده شده و از درک این حقایق محرومید؟ کدام‌یک؟



جدول تفصیلی کنش‌های گفتاری در گزاره‌های پرسشی خطبه فدکیه

منظور غیرمستقیم	مستقیم یا غیرمستقیم	نوع کنش	گزاره پرسشی
استفهام انکاری مفید تعجب	غیرمستقیم	عاطفی	كَيْفَ بَكُمُ وَ اَتَى تُوَفُّوْنَ؟
استفهام انکاری برای سرزنش مخاطب	غیرمستقیم	عاطفی	اَرَعَبَةٌ - وَيَحْكُمُ - عَنْهُ تُرِيدُونَ اُمَّ بَعِيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟
استفهام انکاری برای سرزنش مخاطب	غیرمستقیم	ترغیبی	اَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ تَبْتَغُونَ؟
استفهام انکاری مفید تعجب	غیرمستقیم	عاطفی	وَ مَنْ اَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ؟
استفهام انکاری برای سرزنش مخاطب	غیرمستقیم	عاطفی	اَفَلَا تَعْلَمُونَ؟!
استفهام انکاری برای تحریک مخاطب در دفاع از حریم رسول الله و تهدید و هشدار از فرجام ستم به دخت نبی اکرم <small>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>	غیرمستقیم	ترغیبی	اَأَغْلَبُ عَلٰى اِرْتِيْهِ؟
استفهام انکاری ابطالی به منظور انکار سخن حریف همراه با توییح	غیرمستقیم	عاطفی	اَفِي كِتَابِ اللّٰهِ اَنْ تَرْتَّ اَبَاكَ وَ لَا اَرْتَّ اَبِي؟
استفهام انکاری همراه با سرزنش	غیرمستقیم	عاطفی	فَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللّٰهِ وَ تَبَدَّلْتُمُوْهُ وَرَاۤءَ ظَهْرِكُمْ؟
استفهام تقریری همراه با توییح	غیرمستقیم	عاطفی	فَزَعَمْتُمْ اَنْ لَا حَظَّ لِيْ وَ لَا لِاِرْتَّ لِيْ مِنْ اَبِي وَ لَا رَحِمٍ بَيْنَنَا؟!
استفهام انکاری همراه با تقریر و انکار مخاطب	غیرمستقیم	عاطفی	اَفَخَصَّكُمْ اللّٰهُ بِاَيَّةٍ اَخْرَجَ اَبِي مِنْهَا؟
استفهام انکاری همراه با تقریر و انکار مخاطب	غیرمستقیم	عاطفی	اَمْ تَقُولُوْنَ اَهْلُ مِلَّتَيْنِ لَا يَتَوَارَثُوْنَ؟!
استفهام انکاری همراه با تقریر و انکار مخاطب	غیرمستقیم	عاطفی	اَوْ لَسْتُ اَنَا وَ اَبِي مِنْ اَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟

استفهام انکاری همراه با تویخ	غیرمستقیم	عاطفی	أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَابْنِ عَمِّي؟!
استفهام انکاری همراه با تویخ	غیرمستقیم	عاطفی	مَا هَذِهِ الْفِتْرَةُ عَنْ نُصْرَتِي وَ الْوَيْبَةُ عَنْ مَعُونَتِي وَ الْعَمِيزَةُ فِي حَقِّي وَ السَّنَةُ عَنْ ظِلَامَتِي؟!
استفهام تقریری با هدف ترغیب آنان در حمایت از خاندان نبوت. در این باره گفتار دو پرسش مقدر وجود دارد که در جهت یادآوری عهد و پیمانان مخاطبان با رسول خداست.	غیرمستقیم	ترغیبی	أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَيْ يَقُولُ: «الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ؟»
استفهام انکاری همراه با سرزنش مخاطبان.	غیرمستقیم	عاطفی	أَتَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ؟
استفهام انکاری به منظور بر حذر داشتن مخاطبان از رجوع به گذشته سیاه دوران جاهلیت همراه با ترغیب به پیروی از دین مبین اسلام.	غیرمستقیم	ترغیبی	أَفَأَنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ أَتَقَلَّبْتُمْ عَلَيَّ أَعْقَابَكُمْ
استفهام انکاری همراه با تویخ و به منظور ترغیب گروه انصار در دفاع و حمایت از دخت نبی اکرم.	غیرمستقیم	ترغیبی	أَلْهَضُمُ ثُرَاتِ أَبِي وَ أَنْتُمْ بَمَرَأَى مِنِّي وَ مَسْمَعٍ وَ مُنْتَدَى وَ مَجْمَعٍ ...
پرسش همراه با سرزنش به منظور ترغیب مسلمانان به مبارزه با عهدشکنان.	غیرمستقیم	ترغیبی	أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ ...
پرسش همراه با سرزنش به منظور تحریک و تشجیع مسلمانان برای مبارزه با مشرکان.	غیرمستقیم	ترغیبی	أَتَحْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَحْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ
استفهام انکاری همراه با تعجب و سرزنش	غیرمستقیم	عاطفی	أَفَتَجْمَعُونَ إِلَى الْعَدْرِ اعْتِبَالًا عَلَيْهِ بِالزُّورِ؟
استفهام انکاری همراه با تویخ. استفهام مذکور حاوی چهار پرسش مقدر است که همه آنها برای سرزنش مخاطبان می‌باشد.	غیرمستقیم	عاطفی	أَفَلَا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَفْئَالُهَا؟

## نتیجه

با تحلیل گزاره‌های پرسشی خطبه حضرت زهرا علیها السلام ابعاد دیگری از هم‌خوانی گزاره‌های زبانی با هدف مورد تعقیب در سنت گفتاری اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تبیین گردید. چنینش دقیق و هدفمند کنش‌های زبانی در گزاره‌های پرسشی خطبه مذکور، همگی نشان از یک انتخاب آگاهانه در عرصه اجرایی نمودن کنش‌های کلامی از پیش تعیین شده دارد. حضرت زهرا علیها السلام با کاربست قالب‌های متنوع استفهام غیرمستقیم، از زیباترین شکل بلاغی در انتقال مفهوم موردنظر استفاده نموده‌اند و در حقیقت با گنجاندن استفهام‌های مجازی در لابه‌لای سخنرانی، مخاطب را به اندیشه واداشته و با تأثیرگذاری بر عقل و جان او کارکردهای بلاغی ویژه‌ای را محقق ساخته‌اند.

بنابر آنچه گذشت، در ایراد این خطبه، کنش ترغیبی پس از کنش عاطفی بیش‌ترین بسامد را به خود اختصاص داده است. به طور کلی از مجموع ۳۱ گزاره پرسشی مورد استفاده، تعداد ۲۲ کنش عاطفی و نه کنش ترغیبی است، در حالی که کنش‌های اعلامی، تعهدی و اظهاری در گزاره‌های پرسشی خطبه فدکیه مصداقی ندارند. کاربرد متعدد کنش‌های عاطفی، نشان از درک عمیق گوینده نسبت به بافت موقعیتی خطبه و شخصیت مخاطبان دارد. در واقع آن حضرت با نگاه به بافت موقعیتی ایراد خطبه که درست ده روز پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است و با استفاده از کنش‌های عاطفی پی‌درپی، در صدد اثرگذاری بیش‌تر در شنوندگان بودند تا در مرحله بعدی با استمداد از ثمره آن اهداف خود را دنبال نمایند.

گوینده در گزاره‌های پرسشی نخستین همراه با سرزنش، تعجب و مشابه آن، ضمن ایجاد کنش‌های عاطفی پی‌درپی به دنبال این هدف است که وجدان‌ها را بیدار نماید و با یادآوری دوران نورانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و جان‌فشانی یاران او برای اشاعه اسلام ناب، زمینه را برای حمایت دوباره آنان از حریم دین، قرآن و ولایت آماده سازد. بر این اساس، اولین کنش ترغیبی را می‌توان پس از ایراد پنج کنش عاطفی مشاهده نمود که به تدریج نیز بر این تعداد

افزوده می‌گردد و پس از آن بیش‌ترین تعداد کنش‌های ترغیبی در پرسش‌های پایانی با محوریت تحریک مسلمانان برای رویارویی با عهدشکنان، تشجیع گروه انصار در دفاع و حمایت از دخت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ترغیب مخاطبان به پیروی از دین مبین اسلام دیده می‌شود. چنان‌که ذکر شد، از کنش‌های اعلامی، اظهاری و تعهدی در گزاره‌های پرسشی استفاده نشده، هرچند برخی از آن‌ها در سایر گزاره‌های زبانی این سخنرانی به کار رفته است.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی‌الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چ اول، بی‌جا، دار‌احیاء الکتب العربیة - عیسی‌البابی‌الحلبی وشرکاه، ۱۹۶۲م.
۲. ابن‌المنیر، الانتصاف علی هامش الکشاف، چ سوم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۸۷م.
۳. ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، چ اول، بیروت: مؤسسه‌التاریخ، بی‌تا.
۴. ابن‌منظور، ابوالفضل و جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق/ مصحح: احمد فارس صاحب‌الجواب، چ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۵. ابن‌هشام‌انصاری، جمال‌الدین، مغنی‌اللبيب عن کتب الأعراب، چ ۴، قم: کتابخانه‌سیدالشهدا، ۱۳۶۸ش.
۶. الإربلی، علی بن ابی‌الفتح، کشف‌الغمة فی معرفة الأئمة، بیروت: دارالأضواء، بی‌تا.
۷. انصاری، محمدباقر و حسین رجایی، متن کامل و ترجمه فارسی خطابه فدک، قم: الهادی، ۱۳۷۶ش.
۸. الباهی، حسان، الحوار و منهجیة التفكير النقدي، المغرب: افريقيا الشرق، ۲۰۰۴م.
۹. البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، استانبول: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ق.
۱۰. پالمر، فرانک، نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کوروش صفوی، چ سوم، بی‌جا، ماد، ۱۳۸۱ش.
۱۱. پهلوان‌نژاد، محمدرضا و مهدی رجب‌زاده، «تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه حضرت امام رضا علیه‌السلام بر پایه نظریه کنش‌گفتار»، مطالعات اسلامی (فلسفه و کلام)، ش ۴۲، سال ۱۳۸۹ش.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، محقق/ مصحح: احمد عبدالغفور عطار، چ اول، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۱۰ق.
۱۳. الجوهری، ابوبکر، السقیفة و فدک، تحقیق محمدهادی‌الأمینی، الطبعة الأولى، بیروت: شرکت‌الکتابی للطباعة و النشر، ۱۹۹۳م.
۱۴. چپمن، شیوان، از فلسفه تا زبان‌شناسی، ترجمه حسین صافی، تهران: گام نو، ۱۳۸۴ش.
۱۵. حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمدباقر محمودی، چ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، چ اول، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۱۷. زرقانی، سیدمهدی و زهرا اخلاقی، «تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش‌گفتار»، دو فصلنامه ادبیات عرفانی، ش ۶، سال ۱۳۹۱ش.

۱۸. زمخشری، محمود، **الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل**، چ ۳، بیروت: دارالكتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۹. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی‌بکر، **الدرالمنثور فی تفسیر المأثور**، چ اول، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۰. الشهری، عبدالهادی بن ظافر، **استراتیجیات الخطاب - مقارنة لغوية تداولية**، چ اول، بیروت: دارالكتاب الجديد، ۲۰۰۴م.
۲۱. صفوی، کوروش، **معناشناسی کاربردی**، چ دوم، تهران: همشهری، ۱۳۹۲ش.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، **الاحتجاج**، تحقیق و تعلیق و ملاحظات السیدمحمدباقر الخراسان، النجف الأشرف: دارالنعمان للطباعة والنشر، ۱۹۶۶م.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، **ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تحقیق رضا ستوده، چ اول، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰ش.
۲۵. عبدالعزیز، احمدعلی، **من بلاغة القرآن**، چ اول، مصر: دارالیقین للنشر و التوزیع، ۲۰۱۱م.
۲۶. قزوینی، سیدمحمدکاظم، **فاطمه زهرا علیها السلام از ولادت تا شهادت**، ترجمه علی کرمی‌فریدنی، چ پنجم، قم: مرتضی، ۱۳۸۴ش.
۲۷. محمودی، محمدباقر، **نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغة**، چ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۶ش.
۲۸. مگوئنسن، الین، **کنش کلامی**، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ایرنا ریما مکاریک، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه، ۱۳۸۸ش.
۲۹. میرجهانی طباطبایی، محمدحسن، **جنت العاصمة**، تهران: کتابخانه صدر، ۱۳۷۱ش.
30. Austin, j. L., **How to do things words**, Oxford: Oxford University Press, 1962.
31. Crystal, David, **A Daictionary of Linquistics and phonetics**, sixth edition, Oxford Black well publishing Ltd, 2008.
32. Levinson, S. C., **Pragmatics**, Cambridge: Cambridge University Peress, 1983.
33. Sadock, j. "Speech Acts", In. Horn and G. ward (Eds), **The Hand book of pragmatics**. Black well publishing, Ltd, Malden, Oxford and Carlton, pp. 53-73, 2004.
34. Searl, j. R, **speech acts**, Cambridge, Cambridge university press, 1969.
35. Yule, Georg, **Pragmatics**. 5 th imp, Oxford University Press, 2000.

## تحليل القضايا الاستفهامية في الخطبة الفدكية استنادا لنظرية «سورل»

د. روح‌الله صيادی نژاد / سيدكاظم حسينى باصرى

### الخلاصة

ان الكلام هو فعل يعد من مواضيع تحليل الخطاب الذى بتطبيقه تظهر المفاهيم المستترة في عمق التراكيب والعبارات، هذه النظرية تم بحثها من قبل ((اوستين)) ثم بحثت علي نطاق واسع مع ابتكارات جديدة من قبل تلميذه ((جون سورل)). يهدف هذا البحث وبالاغتماد علي المطالعات النوعية والاسلوب الوصفى التحليلي، الى دراسة القضايا الاستفهامية في الخطبة الفدكية للسيدة الزهراء عليها السلام، وتظهر نتائجه ان من مجموع ۳۱ قضية استفهامية هناك ۲۲ منها فعل عاطفي و ۹ منها فعل اقناعي في حين لا يوجد في هذه القضايا مصداق للافعال التفسيرية والالتزامية والبيانية، ويُظهر الاستعمال المتعدد للافعال العاطفية الفهم العميق لدي المتكلمة لسياق موقعية الخطبة وشخصية المخاطبين اذ استعملت عليها السلام الاستفهام غير المباشر باجمل شكل بلاغي لانتقال المعاني المرادة واجبرت المخاطب علي التفكير من خلال ادراج الاستفهامات المجازية ضمن كلامها.

الاصطلاحات الاساسية: الخطبة الفدكية، القضايا الاستفهامية، الافعال الخطابية، تحليل الخطاب، سورل.